



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۹۶	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۹۶
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۶ پنجم ماه ۱۳۰۸ مطابق ۲۵ شعبان ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود مطبوعه مجلس	قیمت اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارج ۴ دوازده تومان قیمت تک شماره يك قراٹ

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۶ بهمن ماه ۱۳۰۸ \* (۲۵ شعبان ۱۳۴۸)

## تهرست مذاکرات

- (۵) تقدیم لایحه اعضای اعتبار پست هوایی
- (۶) شور دوم لایحه تأمین مدعی به
- (۷) موافق جلسه آینده - ختم جلسه
- (۱) تصویب صورت مجلس
- (۲) طرح و تصویب سه فقره مرخصی
- (۳) طرح و تصویب لایحه راجع به اعانه مدارس ملی
- (۴) طرح و تصویب لایحه معافیت مواد شیمیائی دفع آفت ملخ
- از نایب حقوق کمرک

مجلس یکساعت و چهل دقیقه قبل از ظهر برباست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس روز یکشنبه ۲۹ دی ماه را آقای مؤید احدی (منشی) قرائت نمودند \* \* \*

- |                       |                            |
|-----------------------|----------------------------|
| رئیس - آقای طلوع      | رئیس - آقای زوار           |
| طلوع - قبل از دستور   | زوار - قبل از دستور        |
| رئیس - آقای یاسائی    | رئیس - آقای فیروز آبادی    |
| یاسائی - قبل از دستور | فیروز آبادی - قبل از دستور |

\* عین مذاکرات مشروح نمود و ششمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده است :

- غائبین با اجازه آقایان : نمویی - حسنعلی میرزا دولتشاهی - افغنی - قراکوزلو - عباسپورزا - پور حسن - پوشهری - کتیرا - ابر اعلم - چشیدی - فولادوند - دیوان بیگی - آقا زاده سبزواری - موقر - ملک مدنی - اورنگ - بروجردی - میر حسین خان - اعتبار - مهدوی - کفائی - ارباب کیخسرو - رفیع - تیمور تاش
- غائبین بی اجازه : آقایان : میرزا حسنخان وثوق - آصف - اعظم - حبیبی - لرستانی - ناصری - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابو الفضل - حاج حسین آقا - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک
- دیر آمده با اجازه : آقای شریعت زاده .
- دیر آمدگان بی اجازه : آقایان : مسعود - اسدی - بیات - مسعودی

رئیس - آقای فرخی

فرخی - قبل از دستور

رئیس - آقای حیدری

حیدری - قبل از دستور

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟

( گفته شد - خیر )

رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

جمعی از نمایندگان - دستور

فیروز آبادی - بنده مخالفم

طلوع - مخالفم مخالفم

رئیس - آقای طلوع بفرمائید

طلوع - عرض کنم در جلسات اخیر مجلس يك

حرفهائی در مجلس زده شده و يك سوء تعبیراتی هم

در اطراف آن حرفها در خارج شده بنده میخواهم

حقایقی را در مجلس شورای ملی عرض کنم استدعا

میکم آقایان اجازه بدهند عرایض خودم را عرض کنم

رئیس - موافقین باورود در دستور قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

طلوع - خوب اجازه ندهید

رئیس - تصویب شد

[ ۲ - طرح و تصویب سه فقره مرخصی ]

رئیس - چند فقره خبر از کمیسیون عرایض و

مرخصی رسیده است قرائت میشود :

خبر مرخصی آقای بیات

۱ - نماینده محترم آقای مرتضی قلیخان بیات از

پنجم دی ماه الی ۲۲ دی تقاضای مرخصی نمودند کمیسیون موافق اینک خبر آن را تقدیم میدارد .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده بهمان نظریه که داشتم و دارم

که باید حق و اجرت و هر چه که اسم میگذازند در

مقابل عمل باشد بهمان ملاحظه باز مخالفم و عقیده دارم

که این مجلس باید همه جا سرمشق بدهد که باید کرد

و اجرت گرفت یا حق گرفت یا هر چه گرفت کرد

نکرده نباید چیزی گرفت باین ملاحظه بنده مخالفم

عقیده ندارم .

رئیس - آقای زوار

زوار - ( مخبر کمیسیون ) بسته است به رأی مجابر

رئیس - موافقین با مرخصی آقای بیات قیام فرمایند

( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد . مرخصی دیگر قرائت میشود

۲ - مرخصی آقای دبستانی

نماینده محترم آقای دبستانی از تاریخ ۲۸ آذر الی

۱۷ دی ماه تقاضای مرخصی نمودند کمیسیون با نظریه

ایشان موافق اینک خبر آن را تقدیم میدارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده باز عرض کردم بهمان نظریه

که داشتم باقی هستم بخصوص مرخصی هائی که موفقت

گذشته باشد انسان یکماه دو ماه غیبت کند بعد بیاید

در مجلس اجازه مرخصیش را بخواهد !! یعنی مرخصی

گذشته را بخواهند گذشته که گذشته دیگر مرخصیش

یعنی چه ؟! معنائش معلوم است بنده باین نظریه مخالفم

و موافقت را وقتی ممکن است بکنم که يك تخصیصی از حقوقشان بجهت مصارف خیریه قائل شوند .

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - آقای دبستانی از نمایندگان هستند که غیبت

بجام وظائفشان مشغول بوده اند و میدانید که ایشان

بل هیچ نوع تفریح و هوی و هوسها و مرخصی های

بوده نیستند از این جهت خوبست آقایم موافقت بفرمایند

رئیس - موافقین با مرخصی آقای دبستانی قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . خبر دیگر قرائت میشود :

۳ - مرخصی آقای بیات ماکوئی

نماینده محترم آقای بیات ماکوئی از چهارم دی ۲۳

ز تقاضای مرخصی نمودند کمیسیون با تقاضای ایشان

وافق اینک خبر آنرا تقدیم میدارد .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده همان نظریه خودم را تعقیب

کنم و بدون استثناء مخالفم

زوار - در موقعیکه موبک شاهانه در آذربایجان

تک میگردند مقتضی بود که نماینده محترم آقای بیات

کوئی در انترام رکاب همایونی باشند برای عرض احتیاجات

محل ( صحیح است ) و اینطور تشخیص داده شده

است که نماینده محترم آقای بیات ماکوئی هیچوقت از خدمات

د غفلت نکرده اند و این هم یکی از خدمات مهم ایشان

است از این نقطه نظر کمیسیون هم با مرخصی ایشان

موافقت کرده است .

رئیس - موافقین با مرخصی آقای بیات ماکوئی قیام

فرمایند ( اغلب قیام نمودند ) تصویب شد

۲ - طرح و تصویب لایحه راجع باعانه مدارس ملی

رئیس - خبر کمیسیون معارف قرائت میشود :

خبر از کمیسیون معارف

کمیسیون معارف در تاریخ اول بهمن ۱۳۰۸ لایحه نمره ۲۷۱۸ وزارت معارف را تحت شور قرار داده و ماده واحده

ماده واحده - بوزارت معارف اجازه داده میشود که برای پرداخت اعانه مدارس ملی نظامنامه تنظیم و پس از تصویب کمیسیون معارف مجلس شورای ملی بموقع اجرا بگذارد .

رئیس - فوریت این لایحه در جلسه قبل تصویب شده

است این شور اخیر است . آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با این ترتیب کاملاً موافقم ولی

خواهش میکنم که آقای وزیر معارف يك نظریه را پیشنهاد

کند که فرقی ما بین مدارس گذاشته نشود و بلکه بنده

عقیده ام این است که تفاوتی بین مدارس داخل و خارج

هم گذاشته نشود ( احتشام زاده - چطور میشود ) چون

همه مال يك مملکت و يك ملتند و باید بگذارند

از حقوق مشروع خودشان استفاده کنند و انشاء الله

امیدوارم آقای وزیر معارف و وزارتخانهشان ابدأ فرقی

نگذارند ( احتشام زاده - این شرایطی دارد ) مگر يك

حیثیاتی که عندالعقل و عندالعقلا قابل و باعث ترجیح باشد

آنها باندازه خودش و اگر همه را در نظر بگیرند بنده

کاملاً موافقم .

رئیس - آقای ملک زاده فرمایشی دارید بفرمائید

ملک زاده - چون بکمه زبانی از آقایان اجازه

خواستہ اند که در اینموضوع اظهار عقیده بفرمایند این

است که چون بنده هم عضویت کمیسیون معارف را دارم

و مفتخرم اجازه میخواهم که يك توضیحاتی در این

باب بدهم آقایان مسبقند که توسعه معارف اخیراً در

ایران در نتیجه اقدامات عامه و معارف خواهان بوده

است و در تحت تأثیر يك احساسات مخصوصیکه در اول

مشروطیت برای مردم پیدا شده بود يك عده زبانی مدارس

بنام مدارس ملی با فداکاری و کمک اشخاص حقیقه حساس

و معارف خواه در مملکت تأسیس شد و در موقعیکه

دولت در صدد بر آمد يك عده مدارس دولتی تأسیس شد

با آن مدارس ملی را يك عده شان که راضی بودند بمبدل

۲

بمدارس دولتی بکند و بودجه آنها و دخل و خرج آنها تحت نظر دولت باشد آنوقت بنده مخالف بودم و عقیده داشتم مادام که دولت وسائل از حیث بودجه و از حیث معلم بقدر کفایت ندارد که مدارس را یعنی تعلیمات ابتدائی را بجائی و عمومی کند در مملکت بهتر این است که این مدارس ملی را که تحت مراقبت يك عده اشخاص منور الفکر اداره میشد نگاهداری کند و این مبلغی را که بمدارس دولتی اختصاص داده است بطور اعانه بمدارس ملی از روی استحقاقی که دارند بپردازد و همان وقت شاید حالا هم این عقیده را داشته باشم راجع باعانه که میدهند که بهترین رویه این است که از روی مسابقه داده شود یعنی دولت در نظر بگیرد که هر مدرسه که در آخر سال فرض بفرمائید ده نفر فارغ التحصیل میدهد بآن نسبت يك مبلغی در سال اعانه بآن مدرسه بپردازد و آن که دوده نامیدند دو برابر و آن که سه ده نامیدند سه برابر و تصور میکنم که اگر این رویه را تعقیب کرده بودند میتوانستند يك نتایج بسیاری بیش از این نتیجه که فعلاً ایجاد شده است از این رویه که عرض کردم بدست بیاورند بعد که مدارس دولتی شد تصدیق بفرمائید که غیر ممکن است که يك مدارس که بودجه خودش را در نتیجه بدست آوردن يك مختصر وجهی که شاگرد ها میپردازند که باید تأمین کنند بتواند رقابت کند با يك مدارس که بودجه آنها از طرف دولت پرداخته میشود و شاگرد ها هم تماماً مجانی هستند و متأسفانه در مملکت ما هم دیده آید که اقتدر ها منصف نیستیم که اگر استطاعت این را داشته باشیم که خرج مدرسه اولادهايمان را یا بستگانمان را بدهیم کمتر در نظر میگیریم و سعی میکنیم که از بودجه دولت استفاده کنیم ...

کازرونی - در همه امور اینطوریم

مالک زاده - این است که يك مبلغی بر بودجه دولت می افزاید و بالاخره معلوم شد از برای وزارت

معارف و دولت که بدون کمک بمدارس ملی ممکن نیست که این مدارس بتوانند روی پای خودشان بایستند. خدمات سابقه خودشان را نسبت به معارف عمومی تقبیر کنند این بود که از طرف وزارت معارف يك مبلغ برای کمک و اعانه باین مدارس تخصیص داده شده است سابقاً بیشتر تقسیم این مبلغ راجع بیک فنون های مخصوص بوده است و دارای يك نظامنامه ای نبوده است و بنا بر یک قدری اصول عدلت بطوری که حقا باید در نظر گرفته شده است این است که وزارت معارف در وقتی که بود ۱۳۰۷ در کمیسیون بودجه میگذشته است در آنجا بصره اضافه کرده اند که يك نظامنامه با نظر کمیسیون معارف از برای تقسیم این اعانه نوشته شود و مطلب آن نظامنامه این اعانه که تقریباً گویا هیجده هزار کسری است به مدارس ملی تخصیص داده شود این نظامنامه در اول ۱۳۰۸ که در کمیسیون معارف (بند و يك عده از آقایان عضو بودیم) نوشته شد این مبلغ روی يك شرایط و مقرراتی تقسیم شود یک قدری سعی شود که اصول مساوات و حق بیشتر در نظر گرفته شود مثلاً مدرسی که بیشتر شاگرد دارد مدرسی که فارغ التحصیل بیشتر در آخر سال میدهند مثلاً یکی از شرایطی که در نظر گرفته شد این بود که مدرسی که اقل از هفتاد و پنج صد فارغ التحصیل آن موفق بگذشتن از امتحان میشوند حق اخذ این اعانه را دارند و نظریه پیشرفتی یا سختی از طرف وزارت معارف در امتحانات ۱۳۰۷ در آخر سال شده بود متأسفانه اغلب مدارس ملی موفق نشده اند مطابق این ماده نظامنامه بتوانند استفاده از این اعانه بکنند یعنی اغلب تقریباً چهل در صد بعضی ها سی درصد بعضی پنجاه در صد شاگرد های شان موفق بگذراندن امتحان آخر سال نشده اند و يك قسمت از این ها قبول نشده اند و وزارت معارف در اینجا دچار اشکال شده است و منظور این نظامنامه و این ماده که بعرض رساندم نمیتوانستند باینکه مدارس اعانه بدهند و تقریباً تمام مدارس ملی محروم بودند

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده اصولاً البته با هر نوع کمکی که معارف بشود موافق نهایت اعتماد را هم نسبت به آقای وزیر معارف داشته دارم ولی مخالفت بنده از این راه است عرض میکنم در ضمن هم يك سؤال دارم. مخالفت بنده از این راه است که میترسم کم کم مجلس شورای ملی با اینکه در شبایش است ملاحظه می کنید که شده و همانطوریکه پاره اختیارات و اقتدارات طبعاً شخص پیر گرفته میشود یعنی همان اقتدارات جوانی حالا ما هم از مجلس شورای ملی داریم آن اقتدارات را

لبس میکنیم ...

چند نفر از نمایندگان - اینطور نیست

(صدای زنگ رئیس)

کازرونی - اجازه بفرمائید بنده عرضم را بکنم بعد بفرمائید اینطور نیست. چطور اینطور نیست؟ (فیروز آبادی - مرخص شده) عرض میکنم که ما اصولاً وکیل در توكیل نیستیم و آن را تصدیق میکنیم شما ما وکیلیم که خود ما هر زمان مستقلاً در مجلس رسمی که باحضور تماشاچی منعقد

میشود قانون وضع کنیم و هر قانونی که برخلاف این مطلب باشد بنده عرض میکنم نمیدانم چه حالی دارد. چون بما نگفتند شما وکیل در توكیل هستید در يك موقع معین يك احتیاجات عمومی يك مقتضائی برای شما ایجاد کرد که يك اختیاراتی بيك کمیسیون مخصوص داده شود و آنهم (مصدق جهانشاهی - سابقه دارد) در تحت عنوان موقت. آنهم موافقت شد و رفت اما حالا این بطوری منبسط شود که کم کم سایر کمیسیونها هم اقتدارات مجلس را بآنها احاله بدهیم بنده میترسم کم کم اگر اینطور باشد در دوره آتی یا در ادوار آتی بسیار کمیسیونها اختیاراتی داده شود و ما يك مرتبه برای مدت دو سال تعطیل کنیم از این جهت بنده کاملاً مخالف هستم با دادن اجازه بيك کمیسیون مخصوص مثل سایر نظامنامهائی که وزارتتخاها در حدود احتیاجات خودشان مینویسند خودشان نظامنامه بنویسند در تقسیم این اعانه. این اصل را که بنده مخالفم با آن اگر چنانچه آقای وزیر معارف یا وزارت معارف خودش را محتاج بدانند که با مشورت اعضاء کمیسیون معارف تهیه بکنند بکنند مانعی ندارد ولی با احاله از طرف مجلس بآنها بنده مخالفم و سؤالی هم که داشتم این بود که آیا این اعانه به مدارس ملی طهران انحصار و اختصاص دارد یا بولایات هم داده میشود اگر چنانچه منحصرأ بطهران داده میشود و از بودجه عمومی مملکت است البته دلیلی ندارد آنها اینکه در مرکز نیستند از این فیض محروم بمانند استثناء هم البته نباید آقای وزیر محترم معارف قائل شوند. نباید توفیر بگذارند فیما بین اینکه در طهران باشند یا در حضرت عبدالعظیم همه اهل يك خاکند همه اهل يك خانه هستند همه افاده میدهند همه استفاده میخواهند این است عرض بنده حالا راجع به فرمایش آقای ملک زاده يك شرح مبسوطی اظهار کردند راجع بنظریات خودشان بنده هم اگر موقع بود و مورد داشت نظریات خودم را عرض می کردم که عقیده دارم که وزارت محترم معارف این پولها را که از بودجه عمومی در راه توسعه معارف خرج میکنند

منحصراً بطور اعانه بمدارس داده شود از روی يك ترتیبی که باندازه آن پولی كه اعانه میدهند شاگرد بجای بپذیرند بواسطه اینکه در اثر وضعیت فعلی وزارت معارف بکلی ایجاد مدارس ملی منسوخ شده و بنده هیچ انتظار ندارم که يك مدرسه ملی در ایران دائر شود .

وزیر معارف ( آقای قراگوزلو ) - بنده خورسند

شدم که نماینده محترم آقای کازرونی بعضی مراتب را اینجا تذکراً فرمودند ولی مسئله که ما استعنازه کردیم از مجلس شورای ملی يك مسئله خیلی سهلی است اشکالاتی ندارد . ما اجازه داشتیم در دو سال قبل که يك مبلغ اعتباری را تقسیم کنیم ما بین مدارس این اختیار را در بودجه آنسال در يك تبصره از خودمان سلب کردیم و اختیار را واگذار کردیم به کمیسیون معارف مجلس شورای ملی که نظامنامه تنظیم نمایند و روی آن نظامنامه این اعانه تقسیم شود و آن نظامنامه چون بموجب تبصره قانون بودجه بقوت خودش باقی بوده تا یکسال این است که اجازه میخواهیم از مجلس شورای ملی که بکمیسیون اجازه داده شود و این اعانه را تقسیم بکنیم و اینکه فرمودید منحصر بمركز است یا ولایات هم هست البته منحصر بشهر طهران نیست ولایات هم هر کدام در محل خودشان يك اعتباری برای اعانه مدارس ملیشان دارند که در بودجه باسم و رسم معین شده است و بیک ترتیبی تقسیم میشود .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

روحی - کافی نیست

افسر - کافی نیست

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده با موافقت کاملی که با اصل موضوع

دارم یعنی با اعانه دادن بمدارس ملی لیکن از دو جهت مخالف یکی از طرف تنظیم این لایحه و دیگری از جهت

تبعیضی که در اجرای نظامنامه در سال گذشته کردند نظامنامه نوشته میشود در کمیسیون معارف لیکن وقتی که میرود برطبق او رفتار نمیشود و بنده با دلیل اینجا می‌کنم مدارس ملی که فعلاً در طهران هست بر دو قسم است یک قسم مدارس ملی است که قبل از مشروطیت در طهران تشکیل شده از قبیل مدرسه اسلام مدرسه اقدسیه و غیره يك مدرسه هم هست که اخیراً تشکیل شده در ظرف این چند سال آن مدارس اولی که در دوره های سابق تاسیس شده است يك شهریه هائی از طرف دولت وقت بر آنجا مقرر شده مدرسه اسلام در ۱۳۱۷ قمری تاسیس شده و در همان سال دولت نود تومان مقرر برای آن مدرسه قرار داده و در دوره های بعد این مقرر شده تا اخیراً به یکصد و پنجاه تومان رسید و مطابق در این سی سال شهریه گرفته است و همه ساله هم کمیسیونهای بودجه مجلس شهریه این مدارس تصویب شده و در سال گذشته هم تا دو ماه از سال گذشته پرداخت شده بعد بعنوان همین تدوین نظامنامه نپرداخته اند و گفته که تأمل کنید تا نظامنامه نوشته شود که مطابق آن بپردازیم . سه چهار مرتبه مدیر مدرسه بوزارت معارف و بمقام ریاست تظلم کرده که این مدرسه دوست تومان کسر خرج دارد و این صد و پنجاه تومان را که در مدرسه بسته میشود یا مدرسه را وزارت معارف مثل مدارس دولتی خودش اداره کنند یا شهریه مدرسه را بدهد یا بنویسد ما مدرسه را منحل کنیم هیچ جوابی داده اند بالاخره نظامنامه نوشته شد و در آن نظامنامه سه شرط معین شد شرط اول این بود که در کلاسهای ابتدائی گاه عده شاگرد صد و سی نفر باشد در ماه شصت تومان اعانه دارد و در کلاسهای متوسطه در سیکل اول هر کلاس که سی نفر شاگرد داشته باشد ماهی سی تومان اعانه در مدرسه اسلام دوست و دو نفر شاگرد در کلاس های ابتدائی دارد یکصد و شش نفر در کلاسهای متوسطه دارد بقصد اداره تعلیمات هم بهترین معالین طهران در آنجا درس میدهند بنده

وزیر معارف - اینکه آقای مؤید احمدی فرمودند که نظامنامه طوری تنظیم شده است که بعضی از مدارس

از اعانه محروم شده است وقتی که نظامنامه تنظیم میشود خودشان در کمیسیون معارف تشریف داشتند يك شرائطی برای مدارس که اعانه میگرفتند قائل شدند خوب اداره شدن این کفایت نمیکند باید مدارس که بهتر تنظیم داده باشند آنها را مقدم داشت . عرض کنم مدرسه اسلام که فرمودند خیلی خوبست و تقیصه هم ندارد ولی آن مدارس که اعانه گرفته اند بهتر از مدرسه اسلام تنظیم شده بوده و بهتر اداره شده بود و اینکه فرمودند آن مدارس که اعانه دولتی گرفته اند تمام مدارس اعانه دولتی میگرفته اند و هر سال هم میگرفته اند و اختیار دادن اعانه هم با وزارت وقت بوده بهر مدرسه که میخواست میداد و بهر مدرسه که نمیخواست نمیداد ولی حالا این ترتیب يك قاعده و نظامی خواهد بود که تحت آن قاعده و نظام این اعانه تقسیم خواهد شد .

رئیس - آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق - بنده با اصل موضوع مخالف

نیستم خیلی هم تشکر میکنم که از طرف وزارت معارف این اقدام شده است که اعانه مدارس ملی در ماه قبل از سال تنظیم و تأدیبه شود ولی در تنظیم لایحه و پیشنهاد ماده واحده بمجلس بنده مخالفم و عات مخالفم هم این است که اصل این ماده که باین شکل پیشنهاد شده تحصیل حاصل است زیرا در ذیل بودجه ۱۳۰۸ يك تبصره نوشته اند تقسیم اعانه بمدارس ملی باید برطبق نظامنامه باشد که بتصویب کمیسیون معارف برسد آن نظامنامه را آوردند در کمیسیون معارف و تصویب هم شد و مخصوصاً از برای تقسیم اعانه در (۱۳۰۷) و (۱۳۰۸) يك رویه را در آن نظامنامه ایجاد کردند و از طرف مقام ریاست هم آن نظامنامه تصویبی بوزارت معارف ابلاغ شد حالا این ماده پیشنهادی این است که بوزارت معارف اجازه داده میشود که برای پرداخت اعانه مدارس ملی که در بودجه سیصد و هشت بتصویب رسیده است نظامنامه تنظیم و پس از تصویب کمیسیون

معارف بموقع اجرا بگذارد این نظامنامه تصویب شده و آقای وزیر معارف و آقای آقا سید یعقوب هم آن روز در کمیسیون تشریف داشتند و در آنجا يك صحبتی کردیم و ایشانم يك اشکالاتی برخوردارند اگر مقصود این است که آن نظامنامه عملی نیست و ترتیب مواد آن نظامنامه طوری است که مثلاً سه ربع شاگردان در امتحان نهائی باید قبول شوند و این موضوع را بعد از آنکه وزارت معارف بموقع اجرا گذارده است دیده است عملی نیست همینطور که سایر شرایط که چون عملی نبود تشریف آوردند در کمیسیون معارف فرمودند که باید تجدید نظر بشود. مادر کمیسیون معارف گفتیم چون در ذیل بودجه يك تبصره هست ما يك نظامنامه نوشتیم و تصویب کردیم اگر مقصود این است که برای تقسیم اعانه مدارس ملی در سنوات بعد يك نظامنامه نوشته شود که بتصویب کمیسیون معارف برسد که آن نظامنامه را هم ما نوشتیم حالا اگر میخواهید در مواد آن نظامنامه يك تجدید نظری بکنید و يك موادی بنویسید صریح و سراسر بگوئید و الا مجلس دیگر همچو اختیاراتی بما نداد است ما اینقدر اختیارات داشتیم که يك نظامنامه نوشتیم و ابلاغ کردیم حالا میخواهید کمیسیون معارف تجدید نظر بکند در آن موادی که وزارت معارف میدانند عملی نیست؟ این است که برای این اشکال بنده يك پیشنهادی یعنی يك ماده را پیشنهاد کرده ام بمقام ریاست که همین مقصود وزارت معارف هم بعمل میاید که میگویند بعضی مواد عملی نیست و باید تجدید نظر شود. بسیار خوب همین ماده را این طور پیشنهاد کنند که چون در نظامنامه که بتصویب کمیسیون معارف رسیده است بعضی مواد آن عملی نیست لذا مجلس بوزارت معارف اجازه میدهد که در مواد آن در کمیسیون تجدید نظر کر. و بموقع اجرا بگذارد.

دکتر طاهری (مخبر کمیسیون معارف) آقای وثوق در اصل موضوع که موافق بودند فقط در طرز تنظیم ماده يك نظری داشتند و پیشنهاد کرده اند و لیکن کمیسیون

بودجه اعانه دارند و این اعانه از نقطه نظر مدارس می طهران است از این جهت چون منظور همین است قبول میکنم.

رئیس -- باین توضیح قناعت دارید.

یاسائی - بنده حرفی ندارم آقای وزیر قبول کنند ماده اصلاح شود

رئیس - قبول میکنید؟

وزیر معارف - بلی قبول میکنم که اضافه شود.

رئیس - پیشنهادی از آقای وثوق رسیده است ائت میشود:

پیشنهاد آقای وثوق

ماده واحده - بوزارت معارف اجازه داده میشود نظامنامه سابقاً بتصویب کمیسیون معارف رسیده در مواد آن کمیسیون تجدید نظر و پس از تصویب بموقع اجرا گذارند.

رئیس - آقای وثوق

آقای سید مرتضی وثوق - بنده توضیحاتم همان

بود که عرض کردم ولی آقای دکتر طاهری که فرمودند کمیسیون معارف اختیار نداشته از برای ۱۳۰۸ نظامنامه

بروید جواش این است که در همان نظامنامه که از طرف مقام ریاست ابلاغ شده بوزارت معارف در همانجا

کلیف تقسیم اعانه را از برای ۳۰۸ معین کرده است چون وزارت معارف اشکالات برخوردارده باید ثانیاً از مجلس

اجازه بخواهد که کمیسیون معارف تجدید نظر در آن نظامنامه بکند این بود عرایض بنده

مخبر - در آن نظامنامه که راجع بتقسیم اعانه رای ۱۳۰۷ منظور شده است چون سال تحصیلی

۳۰۷ در ۳۰۸ بوده از این جهت این نظامنامه بدو قسمت است و اما راجع باینکه اینطور

پیشنهاد کردند که نظامنامه سابق درش شور بشود این

در اصل موضوع تفاوتی نمیکند و بکلی ممکن است که يك نظامنامه دیگری نوشته شود لازم نیست که دست کمیسیون معارف و وزارت معارف بسته شود که حتماً همان نظامنامه را تجدید نظر نمایند ممکن است که

نظامنامه نوشته شود یا عین آن نظامنامه را بیاورند یا اینکه بکلی تغییر بدهند بهر صورت تفاوتی نمیکند

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای وثوق را قابل توجه میدانند قیام فرمایند:

( عده کمی قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهادی از آقای روحی

رسیده است قرائت میشود

پیشنهاد آقای روحی

پیشنهاد میکنم که همان نظامنامه سابق رای داده شود و بقوت خود باقی بماند

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بدو میخواهم حقیقه از زحمات آقای وزیر معارف تقدیر کنم زیرا که جامعه ما يك جامعه بی صبر و بی انظاری است و همیشه میخواهند با عجله يك کارهای پریشیده از هم گسیخته بزودی اصلاح شود و واقعاً با اصرار وقت و دقت موفق شدند که

امروز مدارس ملی مملکت يك سرو سامانی پیدا کرده و همه از حیث تنظیم واقعاً رضایت بخش است بعداً راجع باین نظامنامه وقتی که این نظامنامه مطرح بود

بنده خودم شرف عضویت کمیسیون معارف را داشتم و در این نظامنامه خودم هم ذی نظر بودم با يك زحمتی

يك دقتهایی که خود آقای مخبر مسبقاً آقای دکتر مهدیخان هم تشریف داشتند این نظامنامه تدوین شد

و ما غالباً عقیده داشتیم که شاید تا پنجسال این نظامنامه لا اقل بقوت خودش باقی بماند بجهت اینکه يك

زحمتی را که برای یکسال نمیکشند البته باید چهار سال پنجسال عمل کنند امروز بکمتره آمده اند و این را

پنجسال عمل کنند امروز بکمتره آمده اند و این را

پنجسال عمل کنند امروز بکمتره آمده اند و این را

پنجسال عمل کنند امروز بکمتره آمده اند و این را

از نو تغییرش را میخواهند بی آنکه در مقدمه لایحه ذکر کنند که چه عیبی چه موجبی کجایش عیب داشت چه ماده اش خراب بود که ما خواستیم این را اصلاح کنیم و آنچه هم که نا حالا مذاکره شد بنده در اطراف مخالف و موافق واقفاً خودم افناعت ننشدم که بگویم این ماده ماده سوم ماده چهارم این نظامنامه اشکالاتی داشت و ما مجبور شدیم این را عوض کنیم بنده می بینم نظامنامه بوده است که یک سال وزارت معارف از بری آن عمل کرده است در غالب مدارس هم واقفاً از روی این نظامنامه حقوق داده است همه هم راضی بوده اند مدارس ملی هم اعانه هاشان را گرفته اند حالا چه تغییراتی مستلزم این شده است آیا در اصل حق اعانه میخواهند یک تغییری بدهند یا بعضی را دون بعضی میخواهند یک رعایتهایی بکنند بنده از این جهت یک دلیل مثبتی که بنده را قانع بکند که این نظامنامه سابق این جهت داشت که باید عوض بشود بشوم متقاعد میشوم و الا برای بنده یک قدری اشکال دارد و اگر بتوانید یک توضیحی بدهید بنده مسترد میدارم پیشنهاد را و در خاتمه هم میخواستم از آقای وزیر محترم معارف سؤال کنم که مدارس ملی چند ماه است حقوقشان پرداخته نشده است علت اینکه این حقوق را نداده اند چه بوده است و بواسطه همین کار الان غالب مدارس معالیشان بی حقوق مانده اند و یک حال نگرانی برایشان پیدا شده خوبست که یک قدری نسبت بانها رعایت بشود که بدانند بعد از گذشتن نظامنامه آن اعانه که مرسوم بوده است بانها خواهند داد

مخبر - در سابق یک مبلغی در بودجه ها همیشه منظور بوده است و بنظر بنده وزارت معارف مابین مدارس تقسیم میشده است بطور دلخواه خود وزارت معارف تقسیمات بطوری بوده است که از مدرسه در ماه بیست و پنج تیران تا پانزده تومان بوده است یک ملاک و مأخذی برای تقسیم اعانه برای مدارس ملی از ذکور و اناث وجود داشت در بودجه سال قبل هم یک تبصره ذیل بودجه منظور

شده تبصره چهارم - خرج محصلین بی بضاعت و اعطای تقسیم اعانه بمدارس ملی باید مطابق نظامنامه که بتصویر کمیسیون معارف مجلس شورای ملی خواهد رسید بعد آید بر طبق این تبصره وزارت معارف نظامنامه نوشتن بکمیسیون معارف آوردند که خودتان هم بودید و آنجا بود مذاکراتی یک شرایطی برای گرفتن اعانه مدارس درست شد و شرایط در آن نظامنامه ذکر شده آن شرایط یک شرایط و چون است یک شرایط عدمی مثلاً میگوید اگر صدو بیست و شش شاگرد در مدرسه ابتدائی باشد ماهی شصت تومان از او می گیرد

روحي - چه عیبی دارد؟

مخبر - بسیار خوب عیبی هم ندارد یک شرط دیگر این است که نظامات و دستورات وزارت معارف را عمل کند (روحي - این هم عیبی ندارد) یک شرط این است که در کلاسهای متوسطه سی تا شاگرد داشته باشد در سیکل اول و در سیکل دوم بیست و پنج تا. یک شرط دیگر دارد که سانکسیون دارد که میگوید مدارس که در این شرایط هستند و اعانه میگیرند اگر در امتحانات نهائی سه ربع از شاگردانی را که فرستادند برای امتحان مکتوم موفق شدند دیگر اعانه بهشان داده نمیشود اصل و فواید این است ...

روحي - همین ماده را عوض کنید.

مخبر - این ماده هم بسیار خوب ماده ایست که سانکسیون و مجازات نداشته باشد همانطوری پیشتر که آقای مؤید احدی فرمودند که مدارس بطور شهرت اعانه بگیرند چه مدرسه خوب باشد چه بد باشد در صورتیکه مجازات میخواهد نظامات میخواهد که اگر مدرسه نتوانست و مواظبت نکرد و شاگرد هایش از امتحانات نتوانست خوب بیرون بیایند آن اعانه باید قطع شود این ماده که گذشت در سال گذشته بمدارس همینطور اعانه دادند ولی امسال که درش هستیم که ۱۳۰۸ است بواسطه اینکه دفعه امتحانات خیلی سخت شد مدرسی که اعانه میگرفتند

هیچکدامشان واجد این شرط اخیر نیستند یعنی هیچکدام این مدارس سه ربع از شاگردانی را که برای امتحان فرستادند قبول نشدند صد پنجاه صد سی صد بیست و اینها شتر نبوده اگر چنانچه بر طبق این شرط نخواهند عمل کنند هیچکدام از این مدارس باید اعانه ندهند نه اینکه باینها نرسد هیچکدام از مدارس نرسد برای اینکه این شرط صد و پنجاه و پنج را هیچکدام از مدارس نتوانسته اند انجام دهند پس باید در این قسمت تجدید نظر نمایند (صحیح است) اگر حذف نمایند این ماده را که بکلی این لایحه بصرف میشود این اعانه بيمصرف میشود و اگر میزان را طور دیگر قرار دهند هنوز میزانی بدست نیست که به اندازه حق دارند. در هر صورت باید یک کاریش بکنیم کمیسیون معارف خودش را محق نمیدید که تجدید نظر در این نظامنامه بکنند او می گفت که بر طبق تبصره چهار بودجه ۱۳۰۸ یک نظامنامه آوردند و ما تصویب کردیم دیگر ما نمیتوانیم اجازه بهش تغییر بدهیم. وزارت معارف هم میتواند بدون اینکه اصلاً باین نظامنامه نگاه بکند یک نظامنامه بنویسد برادر ۳۰۸ مقید نبود وزارت معارف ولی خود وزارت معارف بایل بود که بنظر بنده کمیسیون معارف بنویسد نظامنامه را پس آمدند اجازه بگیرند از مجلس که حق داشته باشند نظامنامه بنویسند که بتصویب کمیسیون معارف برسد و علت اینکه پیشنهاد آقای روحی را نمیشود قبول کرد که همان نظامنامه بقوت خودش باقی باشد عیناً همین موضوعی بود که عرض کردم که آنجا نوشته است که در امتحانات نهائی باید سه ربع قبول شوند و این دلیل مدارس امسال خودشان نتوانستند بواسطه سختی در امتحان این شرط را بعمل بیاورند و صلاح هم نیست که قطع بشود شهر به شان. پس این پیشنهاد ضرورتاً قابل قبول نیست

روحي - راجع بحقوق چیزی فرمودید. بنده پیشنهاد را مسترد میدارم.

رئیس - رای میگیریم بماده واحده با افزودن پیشنهاد آقای یاسانی که مخبر و دولت قبول کردند. آقایان

موافقین قیام فرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند) تصویب شد.

[ ۴ ] طرح و تصویب لایحه مواد شیمیائی دفع آفت ملخ از تادیه حقوق گمرکی]

وزیر عدلیه (آقای داور) - لایحه است که از طرف وزارت فوائد عامه راجع بمعاف بودن مواد شیمیائی و اناتیه فنی که از برای دفع ملخ و عملیات دفاعیه راجع به ملخ لازم است که وزارت فوائد عامه حق گمرکی نباید بدهد این را تقدیم میکنم باقید دو فوریت مسئله هم مهم نیست و یک ماده هم بیشتر نیست اگر آقایان موافقت کنند

رئیس - قرائت میشود:

ساحت محترم مجلس مقدس شورای ملی شیداللهارکانه نظر باینکه اعتبارات دفع ملخ کلیه باید بمصارف مبارزه و دفاع از ملخ برسد و بواسطه کمی اعتبار نمیتوان حقوق گمرکی مواد شیمی و اناتیه فنی را از اعتبار مصوبه پرداخت لذا ماده واحده ذیل را بقید دو فوریت تقدیم و استدعای تصویب دارد:

ماده واحده - کلیه مواد شیمی و اناتیه فنی که برای دفع ملخ و عملیات دفاعیه جهت جلوگیری از حشره مزبور باسم وزارت فوائد عامه وارد میشود از پرداخت حقوق گمرکی در سنوات ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ معاف خواهد بود

رئیس - فوریت مطرح است آقای یاسانی

یاسانی - موافقم

جمعی از نمایندگان - مخالفی نیست

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - موافقم

رئیس - آقای طلوع

طلوع - در اصل ماده عرض دارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده مخالفتی که دارم در اصلش است و چون در اصلش مخالفم در فوریتش هم مخالفم باین ملاحظه بنده عقیده ندارم بدو فوریت برود بکمیسیون که در آنجا يك مشاوره بشود بعد بر گردد

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - بنظر بنده در اطراف این لایحه بحث زیاد کردن فایده ندارد حالا ممکن است در اصلش صحبت کنند ولی بالاخره وقتی که ما قانون گذاریم و صد هزار تومان اعتبار دادیم برای دفع ملخ دیگر در گمرک معطل کنیم معنی ندارد اگر چه از نقطه نظر حساب فرقی نمیکند ولی معطل گردنش خوب نیست

رئیس - موافقین با فوریت اول قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - موافقم.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - موافقم

رئیس - موافقین با فوریت ثانی قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. ماده واحده مطرح است قرائت میشود:

ماده واحده - کلیه مواد شیمی و اثنایه فنی که بزرگ دفع ملخ و عملیات دفاعیه جهت جلوگیری از حشره مزبور باسم وزارت فوائد عامه وارد میشود از پرداخت حقوق گمرکی از سنوات ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ معاف خواهد بود

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بنده مخالفت زیادی ندارم فقط نظر این است که این يك كار لغوی است از يك طرف يك لایحه بیابان مبالغی هم وقت مجلس را تلف آنند که يك پولی از این جهت دولت يك جیب دیگر دولت برود. اگر وزارت فوائد عامه حقوق گمرکی را بدهد برای دولت چه فرقی میکند فقط چیزی که هست میکوبند ممکن است معطل شود. بنده تصور میکنم که ممکن است معطل هم نشود البته وزارت فوائد عامه در نظر گمرک آنقدر اعتبار دارد که وقتی اجزای شیمیاییش رسید بهش بدهند بعد هم بکنند پول بدهد از این جهت این يك كار لغوی است بعقیده بنده.

وزیر عدلیه - همانطور که فرمودند بنده هم همین عرض میکنم که بیشتر استدلالشان این بود که وقت مجلس بیشتر تلف میشود پس اگر کمتر صحبت بشود کمتر تلف مجلس تلف میشود و این هم مسئله احتساب است و در اصل قضیه بنده تصدیق دارم که تفاوتی نمیکند.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - موافقم

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم

رئیس - آقای بیات

بیات - موافقم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائی که با اصل لایحه از روز اول مخالف بودم حالا هم مخالفم و خودم هم يك اندازه اول فلاحتم هر چند خواهند گفت که تو سرحدات را بنده و ملخهایش از گنجشک بزرگتر است صد هزار صد هزار است حالا بنده عقیده ندارم که این را بدها داده شود و عقیده ام این است که خوب این پول هم میروند آنجا و يك ملخهایی هم گرفته میشود ولی هیچ فایده نداشته و نخواهد داشت و علاوه بر این حالا يك سابقه شده است که هر چیز را میکوبند از گمرک رد کنند میکوبند معاف باشد از حقوق گمرکی خوب این معاف باشد فرقی نمیکند بقول بان از این جیب بآن جیب است ولی این يك سابقه است اینست اینکه بعد ها شاید بعضی اشیاء مضره را بالجاء ملاحظه بیارند و وارد کنند و بضرر دولت تمام بشود. بنده عقیده دارم که همانطوری که بوده است این مواد شیمیائی و چیزهایی که میخواهند وارد کنند همان مثل سابق رفتار کنند که بيك محظور اشدي گرفتار نشویم باین ملاحظه بنده مخالفم و عقیده دارم این را هم مثل چیزهای دیگر معمول بدارند و گمرکی که از این جنس دولت بگیرد در واقع از این جیب بآن جیب است معمول سابق رفتار بکنند.

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده بعکس آقا با این لایحه کاملاً موافقم و خیلی هم خوشوقتیم که يك دولت بیدار و آگاهی است که مراقب است تا ملخ در ممالکت بروز میکند بر ضد آن قیام میکند و حتی ادویه سمی و کیفیات مبارزه اش را تهیه می بیند. آقا زحمت ملخ را ندیده اید که با آن موافقت نمیکنید. آآن در غالب سواحل بحر عمان پیدا می شود تا جیرفت و رود بار و بم و نرماشیر و کرمان

ملخ هست و دارد بادرسترنج زندگانی هماغ زارع و بدبختی که شما طرفدارش هستید مبارزه میکند حیات او را دارد از بین میبرد البته يك دولتی آمده است لایحه آورده است میخواهد ملخ را معدوم کند منتهی مواد سمی که آورده است از نظر اینکه يك اختلاف حسابی ایجاد نشود و يك اعتبار علیحده بنام آلات و ادوات اینکار که از خارج آورده است نخواهد اجازه خواسته است از مجلس و باید باین تشویق و ترغیب و نیت خوبی موافقت بشود و این تقاضا پذیرفته شود نه اینکه با این کیفیت آقا مخالفت کنند. امروز هم ملخ اگر ملاحظه فرمائید ضررش بیشتر بقسمت زارع است مالک هم میتواند که باز يك خرجی داشته باشد ولی زارع بدبخت را معدوم میکند و بنده با آن روح پاکتی که در آقا سراغ دارم و همیشه شما را طرفدار ضعفا و فقرا میدانم این مخالفتان حقیقه قدری باعث کدورت شخص من از آقا شد که چرا باید در يك همچو کار خیری مخالفت بکنید و البته باید خیلی تشکر کرد که تا این اندازه دولت مراقب است که دولت ادویه سمی ضد ملخ را فوراً از خارج میآورد و برای ورود آن هم از مجلس می آید کسب اجازه میکند قدری سبب گناه مندی بنده از آقا میشود ما باید در مقابل این خوشوقتی کنیم و شکر گذاری نه مخالفت بنده خواهشمندم آقایان وقت خودشان را بیخود هدر نکنند و مذاکرات هم کافی باشد به این لایحه رأی بدهند و بکارهای دیگر بپردازند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - کافی است؟

جمعی از نمایندگان - بلی

رئیس - پیشنهادی از آقای یاسائی رسیده است قرائت می شود:

پیشنهاد آقای یاسائی

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی



بنده پیشنهاد میکنم عبارت از سنوات ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ حذف شود  
 رئیس - آقای یاسائی  
 یاسائیی - توضیح زیادی لازم ندارد مقصود بنده این است که این معافیت اختصاص باین دو سنه نداشته باشد معلوم نیست که در سنوات خیلی بعد مثلاً ملخ نیاید و ما احتیاجی بمواد سمی و چیز هائی که وسیله دفاع از ملخ باشد نداشته باشیم در هر صورت این خودش يك قانونی است هر وقت دولت خواست يك چیز هائی برای دفع ملخ وارد بکند از گمرک معاف باشد.

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که مانعی ندارد بنده هم موافقت میکنم از طرف وزارت فوائد عامه  
 رئیس - آقای زوار مخالفید؟

زوار - عرضی ندارم.

رئیس - آقای ناصری مخالفید؟  
 ناصری - بله اما قبول کردند.

رئیس - منافاتی ندارد بفرمائید هنوز مجلس قبول نکرده است.

میرزا محمود خان ناصری - اصولاً البته باید همیشه هر وزارت خانه هر احتیاجی داشته باشد مطابق قوانین برای آن خرج اعتبارات تهیه کند در موقع لزوم آن خرج بوسیله آن اعتبارات آن را تامین کند البته هر

وزارت خانه لازم داشته باشد یک اعتباری باید در خور بدهد که نظر باینکه این اعتبار کفاف نداشت برای این مخارج را بپردازند این لایحه را آوردند به مجلس نظر باینکه بودجه ۱۳۰۹ هم البته دچار یک کمزوری هائی خواهد شد این است که بنده تصور میکنم مقصود بودجه ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ بوده است و از این بعد هر بار که انشاء الله وضعیت مالی موافق دلخواه شد دولت است که اعتبارات خودش را پیش بینی بکند و معمول رفتار بکند

رئیس - نسبت بماده واحده رأی میگیریم  
 با حذف پیشنهادی آقای یاسائی اگر مجلس موافقت نماید رأی نخواهد داد  
 ( اخذ و شماره آراء بعمل آمده هفتاد و سه ورقه و چهار ورقه کبود تعداد شد )

رئیس - عده حاضرین ۸۶ با اکثریت ۷۳ تصویب شد . \*

[ ۵ - تقدیم لایحه راجع باضافه اعتبار پست هوائی  
 رئیس - آقای وزیر پست و تلگراف  
 وزیر پست و تلگراف - لایحه ایست راجع باضافه اعتبار پست هوائی تقدیم میشود ]

[ ۶ - شورئانی لایحه تأمین مدعی به  
 رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به تأمین مدعی به مطرح است شورئانی است ]

\* اسامی موافقین - آقبان ، حاج علی اکبر امین - ظفری - دربانی - محمد آخوند - کبا نوری - کاشانی - لایحی - مسعودی - بنکدار - جلایی - امیر دولتشاهی - مقدم - فرا کوزلو - مفتی - ناصری - آقا حسین آقبان - اعتبار - احمد زمانه عدل - هراز - طباطبائی دیا - عباسی - فرمانفرمایان - ملک آرائی - عراقی - اسم - اسکندری - بالزی - آقابله زاده شیرازی - سهراب خان ساکینان - یاسائی - بیات - حبیبی - اسفندیاری - وثوق - نجومی - عبدالحسین خان دیا - بزرک نیا - ایزدی - حیدری - محمد ولیپرز - طهری - فتوحی - امیر تیمور - نوبخت - محمد علی میرزا دولتشاهی - حکمت - مصباح اضی ذوالقدر - شهداد - مسعود - قاضی نوری - دبستانی - روحی - صادقی - طالبخان - دکتر لقمان - رهبری - خواجوری - دکتر ملک زاده - وهاب زاده - مصدق جهانشاهی - اقبال - مؤید احمدی - انسر - آقا سید کاظم یزدی - امیر ابراهیم مجد ضیائی - فرشی - میرزا یانس - طباطبائی وکیلی - شریفی - اسدی - مولوی اسامی مخالفین - آقبان ، طلوع - رحیم زاده - فرخی - فیروز آبادی

خبر کمیسیون قوانین عدلیه:

کمیسیون قوانین عدلیه پس از خوانمه شور اول لایحه ۱۶۸۴۶ تأمین مدعی به در مجلس شور ثانی آنرا در اولین جلسه خود با حضور وزیر عدلیه شروع و پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم را مورد دقت و مطالعه قرار داده با توضیحاتی که آقای وزیر عدلیه بیان نمودند کمیسیون با در نظر گرفتن اوضاع و احوال جرح تعدیلاتی در پیشنهادات واصله بعمل آورده و بالاخره مواد ذیل برای شور ثانی مجلس شورای ملی تهیه و بنگ تقدیم میدارد

ماده اول - از حین تقدیم عرضحال تا اعلان ختم تا آنکه در مرحله بدوی ( صلاحیه یا ابتدائی ) میتوان تأمین مدعی به را تقاضا کرد .  
 بعد از صدور حکم حضوری یا حکم غیابی که مدت اعتراض آن گذشته باشد نیز محکوم له بدوی میتواند از حکم که صادر کرده است تقاضای تأمین محکوم به را نماید و این در صورتی است که مدعی به قبلاً تأمین نشده باشد درخواست تأمین در محکمۀ استیناف پذیرفته نمیشود

رئیس - ماده اول مطرح است. آقای کازرونی  
 کازرونی - البته آقایان تصدیق میفرمایند که در اولین باید رعایت طرفین قضیه بشود و این قضیه مبتلی به در این لایحه راجع است به مدعی و مدعی علیه در اینجا بنظور نوشته که بمجرد ادعای مدعی هر مبلغی را که دعا کرد تأمین مدعی به خواست مثلاً در اموال غیر منقول ز قبیل خانه یا املاک یا اموال اینها چندان مؤثر در

تندگانی مدعی علیه شاید نباشد لکن عمده واهم مناقشات و اختلافات راجع است بزندگانی عمومی مردم که عبارت از کسبه و تجار و اصناف و غیره باشند اگر چنانچه آقایان در نظر بگیرند وضعیت تجارت و کسب که در همان حین که يك نفر مأمور دولت آمد بجهت توقیف اموالش یا گرفتن ضامن از او وسایر چیز ها در تحت عنوان مدعی به این آدم دیگر بکلی از اعتبار ساقط میشود گمان میکنم که رعایت

حال اینچور مردم در اینجا منظور نشده به مجرد اینکه یک کسی آمد ادعا کرده بایستی هر مبلغی را که ادعا کرده تأمین مدعی به او بشود و چه باید بکنند اگر تاجر است حجره اش توقیف بشود مالش توقیف بشود ضامن از او بخواهند و بالاخره بنده نظر باطلاعی که از اوضاع تجارت و کسب دارم بطور قطع و جداً بحضرتعالی عرض میکنم که يك همچو تاجری که در همچو مرحاه واقع شد اعتماد و تجارتش در معرض خطر است و هیچ چیزی هم جبراننش نخواهد کرد علاوه بر این اصل ادعا که خلاف اصل است آنرا هم تصدیق میفرمائید شما برای يك خلاف اصلی يك اصولی قائل میشوید برای يك امری که هنوز نفی و اثباتش در حد تساوی است می آئید يك مجازاتی از برای مدعی علیه قائل میشوید که اموال او را توقیف کنند و او را در معرض مخاطره قرار بدهند بنده عقیده ام این است که این قانون نسبت بزندگانی جامعه و مخصوصاً کسبه و اصناف و تجار که عمده و اهم داد و ستد ملکات در دست آنها است این طبیعی نیست و از روی عادت و اخلاق جامعه نیست و اثرش هم خیلی بد است البته هر قانونی را که گذرانید شما قدرت دارید جداً اجرا میفرمائید لکن لازم نیست هر چیزی را انسان مجبور شود باز بقوه اجبار اجرا کند خیر باید قانون طوری باشد که احتیاجات ایجاب کرده باشد احتیاج طرفین را اگر شما در نظر بگیرید گمان نمیکنم تصویب بفرمائید که این قانون بموقع اجرا گذاشته شود .

وزیر عدلیه - بنده در موقع شور اول این قانون هم گمان میکنم که مقصود اصلی پیشنهاد این را عرض کردم همانوقت عرض کردم که غرض ما از پیشنهاد این لایحه و تقاضای تصویبش این است که مردم را عادت بدهیم که حساب روشن داشته باشند خوش حساب باشند بدهکار هم که هستند با کنار بیابند با طلبکار خودشان یا در سرموقع بپردازند و بدانند که اگر بخواهند بازی

در بیاورند و از مواد قانونی سوء استفاده بکنند از برای آنها ضرر دارد. این اصل اولی بود که بنده عرض کردم الان هم در همان عقیده هستم و برای همان هم حالا آمده ایم این قانون را آوردم حالا شما میفرمائید وضعیت کسبه و تجار را در نظر بگیریم و از آنها آن رعایتی که بایستی بکنند نشده است آقا تاجر همه اش که بدهکار نیست اگر يك تاجری باشد که همه اش بدهکار باشد عقیده بنده این است که درب حجره اش را ببندد برود يك کار دیگر بکند (صحیح است) بهتر است تاجر طلبکار هم هست و اغلب با هم معاملات دارند و در آنجا هم هست یعنی در قضایای تجارتی هم هست که قبل از این هم راجع بتأمین مدعی به ما بیشتر مختل می کردیم و بایستی بکنیم الان هم خیلی از دعاوی تجارتی هست که نمیرسد بحکم. برای اینکه شما اگر احصائیه محکمه تجارت تهران را ملاحظه بفرمائید بمجرد اینکه قرار تأمین را صادر کرد طرفین میروند و با هم کنار می آیند و اغلب بحکم نمیرسد و این وسیله سریعی که ما قبلا در این موارد داشتیم می خواهیم يك قدری هم حالا تطبیقش بدهیم با سایر موارد. همانطور که عرض کردم همان تاجر یا کاسی که می فرمائید بکسی بدهکار است یا از يك کسی دیگر طلب کار است اگر شما این اصل را نخواهید در مورد آنها قرار بدهید بیشتر اسباب زحمت و اشکال میشود. و بعقیده بنده طبقه که از همه طبقات بیشتر از این قانون استفاده میکنند طبقه تاجر است (صحیح است) شما ملاحظه بفرمائید آقا تجارت اساسش روی پول نقد که نیست در هر جای دنیا که ملاحظه بفرمائید اساس تجارت روی اعتبار است اگر شما مطمئن هستید که امروز این مال التجاره را که بمن میدهید در سر موعدی که با شما قرار گذارده ام پول شما را خواهم داد و بر فرض اینکه من نخواستم بدهم بسرعت از شما خواهند گرفت شما اطمینان خواهید داشت و مال التجاره را هم بمن خواهید داد و من هم بواسطه همین وضعیت میتوانم يك زندگانی بکنم و يك فروشی داشته باشم يك متاعی در

محکمه استیناف پذیرفته نمیشود زائد است چون حق که علل و دلائل تأمین را نگاه کنیم می بینیم مدعی به در استیناف بهتر و بیشتر لزوم دارد تا ابتدائی زیرا اگر مدعی علیه در بدایت مادام که حکومت خودش را نفهمیده این قدر در صدد ائتلاف اش نیست ولی اگر محکومیتش محقق شد در بدایت گرفت استیناف داد البته بیشتر در صدد ائتلاف مالش خواهد بود علاوه بر يك قسمت در چند قسمت ممکن است این مسئله را تأیید کرد که در استیناف هم بود تقاضای تأمین کرد. يك وقتی است يك حکمی که در محکمه بدایت داده شده ممکن است در محکمه استیناف تأیید شود و حالا اگر در آن جا بگوئیم میشود تأمین خواست ممکن است اما در مواردی که استیناف نقض میکند و تجدید رسیدگی میکند عین حال همان حکم اول را دارد مثل حال محکمه بدایت است زیرا قضائی که این قضیه را تعقیب میکنند غیر از قضات اولیه هستند و این مرجع ثانوی در نتیجه اختلاف بری بوده که ایجاد شده و آن حکم اولی بدایت که نقض شده مثل این است که از نو شروع میشود در استیناف و بنا بر این باید قائل شد که میتوان تقاضای تأمین کرد و خود این امر هم چند صورت دارد يك وقت می بینید که در بدایت تقاضای تأمین کرده و کرده اند و حالا آمده است حکم در استیناف استیناف هم نقض کرده و تجدید رسیدگی باید بشود یا اینکه ملاحظه فرمائید که در استیناف آمده است همان موردی که در بدایت محکوم میشود اصلا در صدد تلف مال نبوده است ولی حالا که در حالت محکومیت است و حکم بدایت صادر شده است البته باید قائل شد که بتواند صدد تأمین مدعی به در استیناف برآید علاوه يك ماده است که اینجا عرض میکنم. میگوید: اگر تقاضای تأمین کرد و رد کرد محکمه و مدعی ادله جدیدی پیدا

کرد میتواند تا مادامی که مدت اعتراض نگذشته است از حق خودش تقاضای تأمین نماید. بنده عرض می کنم همین دلیل باید در استیناف هم این حق را داد و این جا هم همان جور است چون یکی از ادله جدیدی که در محکمه استیناف حاصل میشود این است که مدعی علیه قطع بمحکومیت خودش پیدا کرده و همین علت در صدد تلف مالش است این خودش يك دلیل قوی است برای اینکه بتواند تقاضای تأمین مدعی به را در محکمه استیناف بکند و اگر این حق را دارا نباشد مالش تفریط میشود والا مقصود شما از تأمین مدعی به حاصل نمیشود و نقض غرض میشود و همان علل وجود تقاضای تأمین که در محکمه ابتدائی است در استیناف هم در موقعی که حکم بدایت نقض میشود وجود دارد و باید حق تقاضای تأمین را بهتر و بیشتر باو داد که هم مال در معرض تلف و تفریط واقع نشود و هم مطابق يك ماده دیگر دلیل جدیدی برای او پیدا شده است که آن قطع مدعی علیه است بمحکومیت خود و تفریط کردن مال

(یاسائی) مخبر - عرض میشود این مذاکره در شور اول هم شد که باید تقاضای تأمین در محکمه بدایت و استیناف هر دو بشود و ماهم در کمیسیون مجدداً مطالعه کردیم و هر طور حساب کردیم دیدیم که اگر این حق را سلب کنیم بجتهائی بهتر است اولاً يك اضافاتی در این قانون هست و يك قیودی از نقطه نظر ارفاق بمدعی که در قانونی که الان مجری است نیست این جا نوشته شده است که اگر حکم غیر قطعی یا حکم غیابی که بعد از انقضای مدت اعتراض صورت قطعی پیدا می کند و قابل اجرای موقت است اگر محکوم له تقاضای تأمین کرد تأمین بشود این يك چیز تازه ایست در این قانون و يك ارفاقی بمحکوم له که اکثر مواردش هم این است که آن محکوم له مدعی است دیگر اینکه در ماده پنجم و ششم شما نوشته اید که تأمین مدعی به درسه مورد الزامی است یعنی اگر قاضی تخلف کرد جزء تخلفات انتظامی است

تجارخانه خود داشته باشم و تجارت بکنم و استفاده هم از بیم ولی اگر خدای نکرده شما آدمی بودید که این اطمینان را ایجاد نکردید با قوانین ملکیتی و دستگاک قضائی طوری بود که اگر شما آمدید و نخواستید بدهید مدعی وقت لازم باشد که طلب کار دنبال شما بدود تصدیق بفرمائید که خیلی از معاملات از بین می رود چون غالب معاملات در این جا به نسیه و اعتبار است و وقتی آن اعتبار از بین رفت آنوقت باید پول نقد در دست و بایستی لطمه بتجارت زد و تجارت با این ترتیب بجز از بین خواهد رفت پس اگر شما می خواهید بتجارت کمک کنید باید این کار را هم بکنید که بسختی و سستی در سر موقع و موعدی که باید پولی را بدهند بدهند مدعی می فرمائید نگیرند از شما؟ یا میفرمائید ممکن است که در وقت يك کسی بیاید با وجودی که سند دارد و باوجود اینکه تأمین می دهد معذنا يك ادعای بی ربطی بکند و از برای این مسئله بيك شخصی يك لطمه برسد بنده عرض میکنم وقتی شخصی قانون را مینویسد باید برود و يك موارد نادری را در نظر بگیرد قانون را برای اکثر موارد نوشت. بنده عرض میکنم اگر وقتي يك کسی آمد ادعائی کرد بالاخره يك دلائلی دارد در اکثر موارد نمیشود گفت ادعائی است بی پایه و اساس پس بهتر این است که آقای نماینده محترم هم نظر همان کسبه و تجاری که حقیقه خواسته اند از شما رعایتی بشود موافقت بفرمائید تا این ماده و این قانون بگذرد و بعد از این همان تجار هم بتوانند هم معامله بکنند و اطمینان داشته باشند و هم بتوانند با مثال بنده و جنابعالی نسیه بدهند و معامله بکنند اعتبار بدهند و اطمینان داشته باشند که در موقعی می توانند پولشان را بگیرند

رئیس - آقای کیا

کیا نوری - بنده تصور می کنم (آقای مخبر نوجا میفرمائید) این قسمت اخیر ماده که درخواست تأمین

و میبرندش بمحاکمه. نوشته اگر مستند دعوی سند رسمی باشد یا سند عادی دارای اعتبار سند رسمی شده است - یا اگر مستند دعوی سند عادی بود ولی مقرون بتضییع و تفریط است یا اینکه سند عادی است و مدعی برای جبران خساراتی که ممکن است از تأمین بطرف وارد شود و محکمه میزان آن را تخمین خواهد کرد تأمین بدهد در این موارد الزامی است و قاضی نمیتواند رد کند. این صحبتی است که در اینجا هست تنها متوجه است بفرض دیگر که سند رسمی نباشد سند عادی هم نباشد باقرینه اینکه مدعی به در معرض تفریط باشد صرف مدعی مدلل کند که مدعی به در معرض تفریط است در این دو فرض یا قاضی قبول میکند که نظر شما تأمین شده است يك فرضی هم دارد که در موردی که مدارك قویه و سند مثبتة کافی نیست فقط بصرف اینکه مدعی بعد میگوید مدعی به من در معرض تفریط و تضییع است اینجا قاضی نظرش نگیرد و رد کند اینجا میگویند که قابل استیناف است والا در سایر موارد الزامی است و مع هذا اینکه تأمین محکوم به را هم میتواند بکند بنده عقیده ام این است که در موقعی که اسناد مثبتة کافی نیست تضییق بمدعی علیه هم سزاوار نیست و صلاح نیست خوب اگر يك ادله که کافی باشد و قوی باشد يك اسنادی که بامضای مدعی علیه در دست مدعی نباشد اینجا لزومی ندارد که تضییق شود بر مدعی علیه و در مواردی هم که ادله کافی هست آنجا که شما فرض فرمودید که مدعی در محکمه بدایت محکوم له شده این اشکالی ندارد بالاخره تقاضا کرده یا تأمین شده یا نشده اگر نشده است بعد از صدور حکم محکوم له تقاضای تأمین محکوم به را می کند و اگر هم در استیناف حکمش تنفیذ شد باز طوری نشده است. يك فرضی هم هست که ممکن است حکم بدایت بیابد و در استیناف نقض شود و خودش رسیدگی کند تصدیق می فرمائید بعد از آنکه نقض شد دو صورت دارد یا ملازمه دارد با يك حکم مجددی

یعنی وقتی که استیناف نقض و فسخ کرد حکم محکم ابتدائی را بدون تراضی یا اینکه خیر يك رسیدگی در فضا کمی میکنند خیلی زود و آنقدر ها هم طول نمی کشد هر حال صلاح نیست که ما کار را در محکمه استیناف روی يك فرض خاصی که ممکن است پیش بیاید آنقدر بماند ترا کم کار در استیناف بشویم - این نکته را هم آقای کزوری در نظر بگیرند کار را هم گفته شده است که باین ما متوجه بعمل و کار باشیم بالاخره با اینکه در قانون اساسی ما نوشته است که محکمه استیناف باید در مراکز ایالات باید باشد ولیکن خوب تقسیمات ایالاتی ما اینقدر منظم نیست و غیر از ایالات در جاهای دیگر هم مثل تهران اصفهان ناصری و اینجا ها يك محکمه استیناف داریم از این هم فرض نمیشود کرد که بودجه مملکتی ما اجزای بدهد که مخارج قضائی بکنیم - تصدیق هم میفرمائید ترا کم کار در محاکم بالاتر ضرر و مفسده اش بیشتر است و شکایت عمومی مردم را از بطوء جریان امور باید تفریط کرد و ما الان در فکر هستیم که يك کار هائی بکنیم که قرار اساسا بمحاکم بالا نرود اصلا قرارها نرود بمحاکم بالاتر و اینها اساسا و اصلا يك چیزهای اعدادی است و مربوط بحق و بطالان حق و دعاوی مردم و این چیز نیست بالاخره يك قراری را که محکمه نفیاً یا اثباتاً صادر می کند رد کند یا قبول کند این تأثیری در حق دلتان یا نداشتن در محکمه بالا تر ندارد. ما مجبور نیستیم که يك تصمیمی بگیریم راجع باستیناف همچو قرارهائی شده اصرار نداشته باشید که حتما این حق برای مدعی در استیناف هم باشد درست است شما وکیل اظهار هستید وقتی که قانون می نویسد نباید طهران و خراسان لاله زار را در نظر بگیرید باید تمام مملکت را در نظر بگیرید شما فکر کنید که برای قراء و قضات کوچک این دوسه های امور باید دست بدست از نواحی مارندار استرآباد گیلان قزوین تا زنجان تا قافلانکوه از آن طرف تا شاهرود و خراسان و تا نزدیک اصفهان تا کاشان همه اینها باید بیاید طهران که يك حوزه استینافی است

شاید بیشتر و بهتر بتوانیم حق محکوم له را تأمین کنیم و در استیناف هم تقاضای تأمین را قائل بشویم رئیس - آقایانی که با کفایت مذاکرات موافقتند قیام فرمایند.  
( اکثر قیام نمودند )  
رئیس - تصویب شد. پیشنهادی از آقای وثوق رسیده است قرائت میشود:  
پیشنهاد آقای وثوق  
مقام عالی ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکه بنده پیشنهاد میکنم که از ماده اول جمله یا حکم غیابی که مدت اعتراض آن گذشته است حذف شود رئیس - بفرمائید.  
وثوق -- بنده توضیحات زیادی ندارم کن میکنم حکم غیابی که مورد اعتراض گذشته باشد همان حکم حکم حضوری را دارد و اینجا قید کردن اینکه حکم غیابی که مدت اعتراض گذشته باشد مورد ندارد حالا اگر توضیحی دارند بفرمایند تارفع اشکال بنده بشود مخبر - اصطلاحاً اینطور گفته میشود. حکم حضوری یعنی اینکه طرفین در محکمه حضور داشته باشد و حکم غیابی مراد حکمی است که يك طرفش غایب است و بعد از این که مدت اعتراض گذشت آن حکم حضوری خواهد بود ولی توضیحش در شور اول هم گفته شد ضرری ندارد که نوشته شود و استدعا میکنم که پیشنهادتان را استرداد بفرمائید و بنده را از عدم قبول پیشنهاد خودتان خجالت ندهید  
وثوق - بنده مسترد میدارم  
رئیس - پیشنهادی از آقای احتشام زاده رسیده است:  
پیشنهاد آقای احتشام زاده  
پیشنهاد می کنم در ماده اول در جمله درخواست تأمین در محکمه استیناف پذیرفته نمیشود بعد از کامه

استیناف اضافه شود از طرف متسلف.

رئیس - آقای احتشام زاده

احتشام زاده - در دعوی بدوی مدعی که محکوم

له واقع میشود در مرحله استیناف دلائلی پیدا می کند و موجباتی پیدا میکنند برای اینکه درخواست تأمین بدهد در صورتیکه این درخواست را در محکمه بدوی نکرده است و همانطور که میگویند طرف چون حکومت خودش را احساس کرده است در صدد تضییع مدعی به است و البته در اینجا بایستی برای یک چنین آدمیکه در محکمه بدوی محکوم له بوده است در اینجا هم تقریباً موجبات حقانیت فراهم است و در محکمه استیناف هم در جزو دلائل خواهد گفت و محکمه هم حکم خواهد داد برای او باید حق بدهیم که اگر دید مدعی بهش در معرض تفریط است بتواند تقاضای تأمین کند و مخصوصاً بنده اضافه کردم که این حق را برای مستأنف قائل شویم که یک مدعی اگر در محکمه ابتدائی محکوم شود و از آن حکم محکمه ابتدائی استیناف بدهد آنوقت یک آدمی که در آنجا محکوم شده است مستأنف است در استیناف و بنده این حق تقاضای تأمین را برای مستأنف علیه قائل شدم چون در مرحله بدوی محکوم له بوده است و محکمه حکم بحقانیت او داده است در محکمه استیناف هم موجباتی برای تقاضای تأمین پیدا کرده است یعنی احساس میکند که طرف دارد مدعی به را تضییع و تفریط میکنند این حق را با او بدهیم یا اینکه آقای وزیر عدلیه همیشه سعی دارند کاری بکنند که موجبات تضییع حق مدعی هائی که اغلب حق دارند فراهم نشود بنده تقاضا میکنم در این قسمت هم توجه فرمایند و اگر زحمتی برای شان ایجاد نمیکند این پیشنهاد بنده را بپذیرند

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم آقا لطف فرمایند

همانطوریکه که نخواستیم این حق را بمستأنف بدوی بمستأنف علیه هم ندهیم برای اینکه آن کسی که فرمود محکوم له است می رود و از محکمه ابتدائی تقاضای تأمین مدعی به میکند دیگر مجدداً در محکمه استیناف اینکار را نمیتواند بکند و این اشکالی ندارد.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای احتشام زاده

قابل توجه میدانند قیام فرمایند

( چند نفری برخاستند )

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهادی از آقای کیارسیده است

#### پیشنهاد آقای کیا

بنده پیشنهاد مینمایم در صورت دلائل جدید و تقاضای حکم بدایت در رسیدگی استینافی تقاضای تأمین مدعی پذیرفته میشود.

کیا نوری - بنده پیشنهاد را میخواهم پس بگیرم چون آقای وزیر عدلیه میفرمایند در صورتیکه مستأنف با استیناف هم برود معذالك برای مدعی حق است که از محکمه بدایت تقاضای تأمین مدعی به را بخواهد اگر این ترتیب باشد البته حفظ حق او در استیناف میشود در این صورت بنده استرداد میکنم

رئیس - رای میگیریم بماده اول آقایان موافقت

فرمایند ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد

[ ۷ - موقع جلسه آتیه - ختم جلسه ]

رئیس - از طرف غالب آقایان پیشنهاد ختم جلسه

شده است ( صحیح است ) اگر موافقت میفرمایند جلسه را ختم کنیم ( صحیح است ) جلسه آینده پنجشنبه دهم بهمن ماه سه ساعت قبل از ظهر ( مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد )

رئیس مجلس شورای ملی - داد